

پرونده‌ای در نقد و بررسی مستند پر مخاطب «انقلاب جنسی ۲»

ورود به خط قرمزها!



ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

دوشنبه ۷ خرداد ۱۳۹۷
۱۲ رمضان ۱۴۳۹ | ۲۸ می ۲۰۱۸
شماره ۱۹۸۳۰

۱۰۵۳



بحث در باره مسائل جنسی و جنسیتی به‌رغم اهمیتش، تا به حال در جامعه ما آن طور که باید و شاید، مورد توجه قرار نگرفته است. پژو هسگران و کارشناسان هم بیشتر اقداماتی که انجام داده‌اند، به زبان علم بوده و به همین دلیل آن چنان در بطن جامعه دیده و شنیده نشده و تأثیرگذار نبوده است. اقداماتی که بیشتر کاربرد بر تحقیقاتی برای سیاست گذاری احتمالی داشته است. در این بین برخی هنرمندان با استفاده از مدیوم «مستند» که می‌تواند همزمان هم نگاه مردم را به خود جلب کند، هم کارشناسان و مسئولان را، قدم‌هایی برداشته‌اند و آثاری که در این مسیر ساخته شده مثل مستندهای «پشت صحنه» و «انقلاب جنسی» ۱ و ۲ به‌رغم ضعف‌هایشان، موج‌هایی ایجاد کرده‌اند که نشان می‌دهد توجه کارشناسی به این موضوع و همدار نسبت به ابعاد آن، ضروری است؛ مشروط به این که اثر دغدغه‌مند باشد و به دنبال استفاده از جذابیت‌های کاذب موضوعات خط قرمزی برای دیده شدن نباشد. بخش اینترنِتی نسخه جدید «انقلاب جنسی» که این بار روی انقلاب جنسیتی و جایگاه و حقوق زنان در دنیا تامل بیشتری دارد، تازه‌ترین و داغ‌ترین اتفاق در این مسیر است. اتفاقی که به بهانه‌اش در پرونده امروز، پای صحبت عوامل ساخت مستند نشستیم، مهم‌ترین نکات هر دو قسمت را بررسی کردیم و نقد خلاصه‌ای بر محتوای آن داشتیم.



● با اشاره به موفقیت زنان در عرصه سیاست، به توانمندی های بانوان اشاره شده و با طرح پرسش از خانم‌های ایرانی، خلاصه وجود زنان ایرانی در عرصه سیاست را به‌رخ می‌کشد. ● یکی از بانوان ایرانی در این مستند مدعی می‌شود که در فرانسه نگاه مسوم به او به مراتب کمتر از ایران است و مردان ایرانی به محض این که یک خانم کمی با آن‌ها صحبت می‌کند دچار سوءتفاهم می‌شوند. ● همچنین به نقش و مسئولیت‌های برابر زنان و مردان اروپایی در زندگی مشترک اشاره می‌کند و با مقایسه سبک زندگی ایرانی سعی دارد در احتی و برتری زنان ایرانی در زندگی مشترک و شأن و احترام به زنان در جامعه ایرانی را نشان دهد. ● با تماشای هر دو قسمت این مستند، شاید بتوان گفت یکی از ضعف‌های مهم آن، این است که بخش اعظم اثر، مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها و تصاویر و حرف‌هایی است که شاید برای بیننده جذابیت داشته باشد اما هیچ‌نخ تسبیح پیوستگی که از این ایده‌ها، یک کلیت یک دست و سرراست و روشن بسازد، وجود ندارد. در واقع به نظر می‌رسد مستند، به‌جای موشکافی دقیق مسائل، نگاهی گذرا و گاهی سلیقه‌ای به ماجرا دارد.

«محمد دلآوری» از پشت صحنه انقلاب جنسی می‌گوید

نقطه قوت «انقلاب جنسی ۲»، حضور «محمد دلآوری» به‌عنوان راوی است؛ سابقه خبرنگاری دلآوری، به‌ویژه تجربه اجرای «صرف جهت اطلاع» خبر ۲۰:۳۰، به‌او کمک کرده به‌خوبی از پس این روایت برآید. در ادامه بخش‌هایی از مصاحبه او با خبرگزاری مهر را در باره مستند می‌خوانید. دلآوری در باره هدف ساخت مستند می‌گوید: «پیش از این کسانی که در باره جامعه اروپا صحبت کردند آن قدر بد گفتند که این موضوع را مضمحل کرده‌اند. یعنی گفته‌اند میزان تجاوز جنسی در اروپا بالاست. اروپایی‌ها همه تبدیل به کالای جنسی شده‌اند. حالا باید ما خوب باشیم و بچه‌داری کنیم! یعنی برای این که حرف خودش را بزند، تصویر غلط می‌دهد و بی‌اعتمادی ایجاد می‌کند. مخاطب فکر می‌کند الان از فرودگاه منجر آغاز می‌شود. اما اصلا چنین نیست؛ کما این که روابط زن و مرد آن قدر که در اروپا و آمریکا سامان یافته است، در کشور ما نیست. یکی از محاسن اثر این است که نمی‌خواهد صرفا بگوید اروپا جای بدی است. می‌خواهد بگوید آن جایک مشکلاتی دارد، تو هم مشکلاتی داری. آن‌ها تجربه‌هایی دارند، او می‌خواهی تجربه‌شان را تکرار کنی؟ فرهنگ غرب‌ستیزی در ایران تبدیل به چیز عجیب و غریبی شده است. هر کس رفته و برگشته و گفته مثلا رانندگی‌شان خوب است، می‌گویند غرب‌زده شده‌ای. این غرب‌ستیزی ناشیانه و بی‌دلیل، یک جور غرب‌پرستی ناشیانه را هم بدنبال داشته‌است». او می‌دفاع از محتوای انقلاب جنسی توضیح می‌دهد: «باید به‌زنان جامعه ما حق داد. به جریان زنی که حرف‌هایش شنیده نمی‌شود... زنی که می‌خواهد یک موقعیت تثبیت شده داشته باشد اما دیده نمی‌شود. همه این دیده و شنیده شدن‌ها تبدیل به یک بمب می‌شود که می‌خواهد منفجر شود، پس ممکن است رفتارهای غیرعقلانی از او سر بزنند. مثل اتفاقی که برای زن غربی افتاد که گفت اصلا از همه مردها بدم می‌آید. من اصلا نمی‌خواهم بچه‌دار شوم. شاید این مستند انقلاب جنسی می‌خواهد هشدار ی بدهد که اگر حرف‌های این افراد شنیده نشود، می‌توانند در ایران هم به رفتارهای غیرعقلانی منجر شود؛ کما این که تا حدی شده است. اما اگر امکانی فراهم شود که او هم بتواند خواسته‌هایش را مطرح کند شاید جلوی این اتفاقات گرفته شود». در بعضی قسمت‌های مستند به نظر می‌رسد جواب‌های مصاحبه‌شونده‌ها از پیش تعیین شده‌است. دلآوری در این باره می‌گوید: «طبیعی است که به آدم خارجی بام در این مورد حرف می‌زدیم و پیش‌بینی می‌کردیم که چه جواب‌هایی به ما خواهند داد. به نظر من [این شائبه] در دست طراحی شدن هر سکانس ویلان و سوال برمی‌گردد و البته بین ما هم همفکری خوبی اتفاق افتاده».



CMYK

حدودیک ماه پیش بود که قسمت دوم این مستند، این بار با عنوان «انقلاب جنسیتی» با کیفیت بیشتر، تحقیقات گسترده‌تر و البته حضور «محمد دلآوری» در قالب گزارشگر، منتشر شد که با استقبال خوبی هم‌رو به‌رو شد. این قسمت، در ۱۰ فصل مجزا اما در عین حال به هم پیوسته ساخته شده و به نظر می‌رسد بر خلاف قسمت قبل با کار مدون‌تری روبه‌رو هستیم. اثری که به مرور سیر فمینیسم و آسیب‌هایش می‌پردازد و به شکل خاص، موج چهارم «فمینیسم» را که متعادل‌تر از موج‌های قبلی است، بررسی می‌کند و با زانی گفت‌وگومی‌کند که در کنار مشاغل نیمه وقت، نسبت به زنان سال‌های قبل جوامع غربی، علاقه بیشتری به ازدواج و فرزندآوری و تحکیم بنیاد خانواده دارند.

● این قسمت باز هم به انتخاب پوشش در جامعه ایرانی اشاره دارد و بانوانی را نشان می‌دهد که به محض خروج از کشور حجاب خود را بر می‌دارند و در یک مقایسه تاریخی سعی در تغییر لباس، نوع برخورد اجتماعی و به‌رنگی زنان اروپایی را به‌صورت تدریجی نشان دهد و بررسی کند چرا این حرکت با حمایت مردان همراه بوده و موفق هم شده است.



● این قسمت از ادعاهای این مستند را می‌توان پذیرفت اما نه به طور مطلق. به‌طور مثال، این که در قسمت اول مطرح می‌شود دختران ایرانی به شکلی نامتعارف و بیشتر از زنان دیگر نقاط دنیا آرایش می‌کنند در ست است، اما ریش این رفتار، فقط و فقط در نیاز جنسی است؛ بسیاری از افرادی که آرایش می‌کنند هم از نگاه و رفتارهای نامناسب مردان، حس خوبی ندارند اما ریشه این رفتارشان را می‌توان در مسئله دیگری جز این نیاز جست‌جو کرد. به‌طور مثال خوندنمای و افراط در بهتر جلوه دادن همه چیز، یکی از عادت‌ها و رفتارهای غلط ما ایرانی‌هاست.

آیا با یک اثر مستند و منصفانه روبه‌رویم؟

انقلاب جنسیتی، جذابیت‌ها یا واقعیت‌ها؟

سید مصطفی صابری

«انقلاب جنسی» زنگ خطرهای مهمی دارد اما آن چنان که باید مستند و به‌خصوص بر اساس تحقیقات نیست و با رویکردی گزینشی، تلاش کرده حرف‌های مهمش را در دل تصاویری جذاب اما غیر دقیق از جوامع غربی و ایرانی ارائه کند. برخی از ادعاهای مستقیم و غیر مستقیم مستند در دو قسمت را مرور می‌کنیم:



● **آرایش نامتعارف؟**

بسیاری از ادعاهای این مستند را می‌توان پذیرفت اما نه به طور مطلق. به‌طور مثال، این که در قسمت اول مطرح می‌شود دختران ایرانی به شکلی نامتعارف و بیشتر از زنان دیگر نقاط دنیا آرایش می‌کنند در ست است، اما ریش این رفتار، فقط و فقط در نیاز جنسی است؛ بسیاری از افرادی که آرایش می‌کنند هم از نگاه و رفتارهای نامناسب مردان، حس خوبی ندارند اما ریشه این رفتارشان را می‌توان در مسئله دیگری جز این نیاز جست‌جو کرد. به‌طور مثال خوندنمای و افراط در بهتر جلوه دادن همه چیز، یکی از عادت‌ها و رفتارهای غلط ما ایرانی‌هاست.

● **نادیده گرفتن فرهنگ کشورها**

مستند از مشاغل بازه وقت زنان اروپایی می‌گوید و ضرورت این که لازم نیست زنان ایرانی تمام مسیری را که اروپایی‌ها طی کرده‌اند، تجربه کنند. از کار تیمی بین خانواده‌های هلندی و سوئدی می‌گوید و به تجربه‌ای را قابل انتقال به بانوان ایرانی می‌داند. در حالی که اصولا این فرهنگ کار و تعریف نقش‌های جنسیتی حین قبول مشاغل و حتی در محیط خانواده، مخصوص فرهنگ در جای جای اروپا مردان هر وقت از پرحرفی همسرشان خسته می‌شدند از دهان بند فلزی بر ایشان استفاده می‌کردند.

● **تعمیم‌های غلط و غیراماری**

● **تصاویر گزینشی از اروپا** نگاه گزینشی مستند به مسائل را می‌توان در همان دقایق اول قسمت اول و دوم مشاهده کرد. جایی که به نحوی، روسی را پوشش غالب بسیاری از زنان اروپا در سده‌های گذشته معرفی می‌کند و در قسمت دوم مدعی می‌شود تا ۲۰۰ سال قبل در جای جای اروپا مردان هر وقت از پرحرفی همسرشان خسته می‌شدند از دهان بند فلزی بر ایشان استفاده می‌کردند.

● **تعمیم‌های غلط و غیراماری** مبنای تعمیم رفتار یک نفر به یک جامعه، باید کار پژوهشی با

آزادی‌های جنسی در ایران را غرب‌بیزداند. آن چه در قسمت اول این مستند آمده به‌شرح‌رزی است: ● با مقایسه تاریخی، نشان می‌دهد که زنان اروپا در گذشته نه چندان دور، پوشش کاملی داشته‌اند. ● بی‌توجهی به مسائل پوششی و حجاب توسط عده‌ای در جامعه، ربط مستقیم به معضلات جنسی جامعه‌دارد. ● دختران اروپایی سلامت روانی بهتری دارند و به دلیل داشتن اعتماد به نفس بیشتر به سمت آرایش غلیظ نمی‌روند. ● در بخش‌هایی از هر دو مستند احساس می‌شود عوامل اثر، بخش‌های منفی رفتارهای مردم کشورمان را خیلی پررنگ کرده‌اند و در مقابل نسبت به برخی رفتارهای مثبت مردم غرب افرای زیادی دارند؛ طوری که حس می‌شود تلاش مستند به‌رغم این که چهره‌های دغدغه‌مند و موجهی پشت آن هستند معطوف به تظہیر غرب است. به بیان دیگر یک نوع مرعوب غرب‌بودن در برخی از دقایق احساس می‌شود.

مبین ساعدی

در سال‌های اخیر مستندهایی در باره مسائل جنسی و جنسیتی در ایران ساخته شده اما معمولاً حاوی مطالب سر بسته و کلی بوده و به‌واسطه محافظه کاری و رعایت شرایط فرهنگی جامعه‌مان، از یک حد مشخص فراتر نرفته است. اما مهر ۹۶ بود که خبرهایی در باره انتشار مستند «انقلاب جنسی» فضای خبری را دگرگون کرد و جدای از هشتگ‌ها و کامنت‌های مختلف که در شبکه‌های مجازی در یافت کرد، نقد‌ها و نکات بسیاری هم بر آن نوشته شد. شاید بتوان گفت مستند «انقلاب جنسی» مانند آثار پیشین «حسین شمقدری» شوک در حوزه مستندسازی بود. در مقدمه و معرفی این مستند آمده است که «مستند انقلاب جنسی، با نگاهی متفاوت به زیست جنسی مردم هلند، فرانسه و اسپانیا تلاش می‌کند تا شناخت مخاطب را از دنیای غرب بیشتر کند.» این مستند کوشیده بود با سلسله گفت‌وگوهای خیابانی به مقایسه تفاوت‌های



گفت‌وگوی «زندگی سلام» با حسین شمقدری، کارگردان مستندِ خبر ساز «انقلاب جنسی» ۱ و ۲

قربانی شدن نقش‌ها در خانواده، نتیجه انقلاب جنسیتی

الیه توانا

«دقت کردید مجسمه آزادی یک‌زن است؟ بعد از صد‌ها سال که در غرب، قدرت دست مرد‌ها بود و همه‌امور را اداره می‌کردند، زن‌ها گفتند مشعل را ید هید به ما. بعد از آن توی ایران هم همین اتفاق افتاد و آرام‌آرام احساس می‌شود شمارش معکوس برای یک انقلاب زنانه در ایران آغاز شده‌است». انقلاب جنسی ۲، با این جملات و در واقع با قیاس و وضعیت زنان در ایران و در غرب شروع می‌شود. این مقایسه اساسا چقدر ممکن و صحیح است؟ چه نتیجه‌ای قرار است از آن گرفته شود؟ «حسین شمقدری» به سوالات ما در باره مستند جدیدش پاسخ داده‌است.

● **پیش‌فرض مستند شما، جذابیت الگوی زن غربی برای زنان ایرانی است و بر همین اساس، سعی دار آن را تعدیل کند.** بله، این پیش‌فرض وجود داشت. بالاخره ما ایرانی‌ها ناخودآگاه به نوعی غرب‌زدگی دچاریم؛ فکر می‌کنیم خارج از ایران، وضعیت زنان، مردان و به‌طور کلی زندگی خیلی بهتر است.

● **برای تعدیل این الگو، ما به یادوری امتیازاتی برای زنان ایرانی متوسل می‌شوید که اساسا مسئله خیلی‌ها نیست؛ مثل مقایسه میزان مشارکت زنان ایرانی و غربی در هزینه‌های زندگی.** چون عرف جامعه‌ما این نیست که زن پایه‌ای مرد کار کند. ما در ایران زنان سرپرست خانوار داریم که تمام هزینه زندگی بر عهده آن‌هاست و زنانی را هم داریم که ۵۰-۵۰ در مخارج خانه شریک هستند. اما عرف این است که زنان اگر کار می‌کنند، سهمشان در مسائل مالی خیلی کم یا صفر است. این مسئله، امتیاز زن ایرانی نسبت به زن غربی است که باید صبح تا شب کار کند و نصف هزینه‌های زندگی را بدهد.

● **این نکته برای خیلی از خانم‌های ایرانی در مقایسه با پرخورداری‌های زنان غربی، امتیاز ویژه‌ای محسوب نمی‌شود. شما بدون توجه به این‌ها هزینه‌های زندگی نیستند.** بله منظور من همین بود اما حرف شما این است که آیا می‌ارزد که جایگاه نداشته باشی و از چنین امتیازی بر خوردار شوی. راجع به این مسئله در مستند حرف زدیم. در همان سکانسی که با زنان ایرانی مصاحبه کردیم و می‌گفتند ما دوست داریم کار کنیم و هویت مستقل داشته باشیم؛ نه این که مثل ما در اتمان توی خانه بمانیم و بهمان بگویند خب که چی یک‌زن خانه‌دار هستی و به کجا می‌خواهی برسی. سکانس‌های قبلی هم همه‌اش در باره محدودیت‌ها و مشکلات زنان ایرانی صحبت کردیم.

● **با مرور جنبش‌های فمینیستی در مستند می‌خواهید بگویید زنان ما اول راهی هستند که زنان غربی تا انتها رفته‌اند و ما هم داریم همان مسیر را طی می‌کنیم؟**

در پلاتوسی می‌گوییم زنان غربی به دلیل تحمل محدودیت‌های بسیار، یک‌روز قاطعی کردند و گفتند می‌خواهیم عضو مهمی از جامعه شویم و خانواده و این چیزها را بی‌خیال. حالا ما به این نتیجه رسید‌اند که خانواده مهم‌است و شرایط ۵۰-۵۰ و مانند آن، برای یک‌زن فضای ایده‌آلی

